Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies

Spring 2024, Vol. 12, No. 45, PP. 7-37

Parliamentary Positions and the Common Pool Problem in the Construction Budget Approval Process; A Case Study of the 9th and 10th Periods of Iran's Islamic Consultative Assembly

Fateme Mardani
Ph.D. Candidate in Economics, Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.
Mohammad Taher Ahmadi Shadmehri*
Associate Professor, Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.
Hadi Qavami
Assistant Professor, Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.
Ali Cheshmi
Assistant Professor, Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.

Received: 28/11/2023 **Accepted: 14/04/2024**

Abstract:

According to inefficiency and inflationary consequences, Massive half-finished construction projects are one of the important challenges of Iran's macroeconomic concerns. Along with some legal, technical and executive challenges, the role of legislative branch actors should be considered too. Indeed, the parliamentary approval process present the total budget as a common pool. So, representatives face incentives to use their influence in Budget Approval Process in line with their constitutional or electoral aims. In fact, the process of selection and funding of construction projects is almost always the result of redistribution disputes and the pressure of interest groups, and sometimes without any economic-social justification. This article is about to study the influence of MPs' parliamentary position in Iran's Islamic Consultative Assembly (2012-2019) in increasing the figures of the appendix documents of national budget bill related to funding construction budget from the national income. By parliamentary position we mean the presence of provincial representatives in special parliamentary positions affecting the budget approval process, as well as having the seniority privilege. The results from using panel data model confirm these effects in sample periods on provincial construction budget. The proposal of the article is to amend the internal regulations of the parliament or to document the changes in the budget lines in order to clarify the budgetary action of the representatives.

JEL Classification: H54, D71, D72, C23

Keywords: Welfare Construction Budget, Common Pool Problem, Parliamentary Position, Seniority, Panel Data.

* Corresponding Author, Email: shadmri@um.ac.ir

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7] [Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۳۷-۷

جایگاه‌های پارلمانی و مسئله منبع مشاع در فرایند تصویب بودجه عمرانی؛ مطالعه موردی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی

فاطمه مردانی
دانشجوی دکتری گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
fa.mardani@um.ac.ir
محمدطاهر احمدی شادمهری
دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
shadmri@um.ac.ir
هادی قوامی
استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
qavami_h@um.ac.ir
علی چشمی
استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
a.cheshomi@um.ac.ir

یکی از چالش‌های مهم مدیریت کلان اقتصاد ایران، مسئله انباشت پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام، افزایش مدت اجرای پروژه‌ها و تأخیر در بهره‌برداری و بنابراین، بروز ناکارایی و پیامدهای تورمی است. در کنار تمام مشکلات قانونی، فنی و اجرایی، نقش کنشگران قوه مقننه در فرایند تصویب پارلمانی بودجه کل کشور ذیل مفهوم مسئله منبع مشاع، ناظر به انگیزه‌های انتخاباتی و خدمت‌رسانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای بهره‌برداری از بودجه قابل توجه است. در واقع، بخش زیادی از فرایند گزینش و تأمین اعتبار بودجه‌ای پروژه‌های عمرانی، حاصل مناقشات بازتوزیعی و فشار گروه‌های ذی‌نفع بوده و لزوماً توجیه اقتصادی- اجتماعی ندارند. رویکرد این مقاله، بررسی اثرگذاری مؤلفه‌های موقعیتی نمایندگان دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱-۱۳۹۸) بر افزایش بودجه عمرانی ۳۱ استان کشور از محل درآمدهای ملی در فرایند تصویب بودجه ۱۳۹۲-۱۳۹۹ خواهد بود. منظور از مؤلفه‌های موقعیتی، حضور نمایندگان استان‌ها در جایگاه‌های ویژه پارلمانیِ مؤثر بر فرایند تصویب بودجه و نیز برخورداری از امتیاز ارشدیت تعریف شده است. نتایج به‌دست آمده از برآورد مدل داده‌های پانل برای دوره مزبور، اثرگذاری این مؤلفه‌ها را بر افزایش بودجه عمرانی استانی مورد تأیید قرار می‌دهد. پیشنهاد مقاله، اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس و یا مستندسازی تغییرات ردیف‌های بودجه در جهت شفاف‌سازی کنش بودجه‌ای نمایندگان است.

طبقه‌بندی JEL: H54،D71، D72، C23
واژگان کلیدی: بودجه عمرانی ، مسئله منبع مشاع، جایگاه‌های پارلمانی، ارشدیت، داده‌های پانل.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

۱. مقدمه

پروژه‌های عمرانی یکی از اساسی‌ترین ابزارهای دولت برای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در جهت افزایش سطح تولید ناخالص داخلی به‌عنوان متداول‌ترین معیار سنجش رفاه کشور است. با این وجود، بروز وقفه‌های متعدد در اجرای پروژه‌های عمرانی و به‌تبع آن، افزایش ریسک اجرا و تحمیل هزینه‌های تورمی، مانع از امکان بهره‌برداری به‌موقع و متناسب با هزینه‌های صورت‌گرفته شده و تکرار وقوع این مسئله، آن را به یک رویه ثابت در نظام اقتصادی کشور تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که راهکار تأمین کسری بودجه جاری از محل اعتبارات بودجه عمرانی به‌صورت غیررسمی رویه‌ی مورد پذیرش اکثر دولت‌ها است. به‌طوری که، بر اساس گزارش مرکز پژوهش-های مجلس (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۲) طی ده سال اخیر نسبت هزینه‌های جاری به منابع و مصارف عمومی دولت افزایش یافته و نتیجه آن، افزایش طول عمر پروژه‌ها از ده سال به هفده سال، کاهش کارایی مورد انتظار و انباشت طرح‌های نیمه‌تمام در کشور بوده است.

اگر چه اغلب مطالعات در حوزه آسیب‌شناسی پروژه‌های عمرانی در کشور، مانع عمده را در «عدم دسترسی به‌موقع و کافی به منابع مالی» شناسایی کرده‌اند (کیوانی و رمضانی، ۱۳۹۵؛ محمدی و دیگران، ۱۴۰۱) اما در واقع، کل فرایند اجرا از مرحله تعریف، توجیه و تصویب طرح تا انتخاب مجری، ارجاع کار به عوامل، طراحی و تأیید پروژه عمرانی و در نهایت، کنترل و اجرای پروژه، تضمین عملکرد، نظام بیمه‌ای و بهره‌برداری با چالش‌های جدی مواجه است (حلاج و جلالی، ۱۳۸۹). در این میان، رویکرد نقش نمایندگان مجلس در قبال پروژه‌های عمرانی نیز قابل توجه است. از این‌رو، پژوهش حاضر، به موضوع نقش کنشگران قوه مقننه در شکل‌گیری پروژه عمرانی و تصویب طرح مذکور در بودجه سالانه کشور می‌پردازد. موضوعی که شاید در کوتاه‌مدت بتواند زمینه جلوگیری از افزایش انباشت طرح‌های نیمه‌تمام عمرانی را فراهم کند.

در حالی که بخشی از رفتارهای بودجه‌خواهی نمایندگان، تحت تأثیر انبوه نیازهای مرتفع نشده مناطق مختلف کشور و فشارهای اجتماعی ناشی از آن شکل می‌گیرد، اما باید به این نکته توجه داشت که محرومیت‌زدایی و رفع عدم توازن‌های منطقه‌ای، بیش از هر چیز نیازمند التزام به

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

قانون، اسناد فرادستی و نیز مجموعه قوانین و رویه‌های تعریف‌شده در نظام فنی و اجرایی کشور است. بنابراین، علاوه بر وجود توجیه اقتصادی - اجتماعی، حصول اطمینان از منابع مالی مورد نیاز یک طرح، تعریف نقش این طرح در تحقق اهداف برنامه‌های توسعه و نیز سازگاری آن با سایر طرح‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمومی از مهم‌ترین پیش‌نیازهایی است که قبل از آغاز هر طرح عمرانی جدید باید مورد مطالعه قرار گیرد. با این وجود و علی‌رغم آنکه تمام برنامه‌های توسعه کشور به‌طور صریح آغاز طرح‌های عمرانی جدید را به رعایت موارد فوق مشروط نموده‌اند، عملاً، تنظیم بودجه در کشور بیشتر مبتنی بر رابطه و چانه‌زنی است.

فراهم آمدن شرایط لازم برای چانه‌زنی و لابی‌گری، به قدرت نماینده مزبور وابسته است. نمایندگانی که از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردارند، می‌توانند پیش از تقدیم لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی، طرح پیشنهادی خود را به‌واسطه سازمان برنامه و بودجه در لایحه وارد کنند. اگرچه این فرایند مستند نمی‌شود، اما وجود ۱۵۱ طرح عمرانی - از مجموع ۲۵۹۳ طرح - با اعتباری کمتر از یک میلیارد ریال در پیوست یک لایحه بودجه ۱۴۰۲ که در مجموع تنها ۳۸ میلیارد ریال از بودجه را به خود اختصاص می‌دهد و مشخصاً حداقل منابع مالی لازم برای آغاز یک طرح عمرانی را تأمین نمی‌کند، مطلقاً می‌تواند نشان‌دهنده چانه‌زنی نماینده مزبور برای اخذ ردیف اعتباری در بودجه این سال باشد.[1] علاوه بر این، تعداد ۲۹۸ طرح عمرانی در جداول (۱۵)، (۱۹) و (۲۰) لایحه بودجه همین سال وجود دارد که فاقد اطلاعات زمان‌بندی و هزینه‌های اجرایی بوده و با اصول تصویب یک طرح عمرانی مغایر است.

سؤال اصلی این مقاله در رابطه با نقش نمایندگان مجلس - به لحاظ افزایش بودجه پروژه و یا به لحاظ تعریف پروژه جدید- در رابطه با افزایش حجم بودجه‌های عمرانی است که بر اساس

۱. بدیهی است نمی‌توان تمام چانه‌زنی‌ها را در این سطح ارزیابی کرد و قطعاً مواردی وجود دارد که چانه‌زنی نماینده توانسته است با تأمین مالی کافی، یک طرح عمرانی را با موفقیت به اتمام برساند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

مقایسه تغییر صورت گرفته در ارقام پیوست یک لایحه بودجه کشور با عنوان «اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای» در فرایند تصویب قانون بودجه کل کشور صورت می‌گیرد.

در این مقاله نکته حائز اهمیت، توجه به جایگاه و موقعیت خاص اثرگذار بر فرایند تصویب بودجه است؛ حضور در هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی یا قرار گرفتن در جایگاه ریاست هر یک از کمیسیون‌های تخصصی، عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و در نهایت عضویت در کمیسیون تلفیق از جمله موقعیت‌هایی هستند که قدرت تأثیرگذاری نماینده را افزایش می‌دهند. علاوه بر این، انتظار می‌رود سابقه نمایندگی و ارشدیت نیز بر قدرت چانه‌زنی نماینده اثرگذار باشد. بنابراین، سؤال اصلی مقاله این است که آیا هرکدام از این جایگاه‌ها و موقعیت پارلمانی بر افزایش حجم پروژه‌های عمرانی در فرایندهای پارلمانی تصویب بودجه (۱۳۹۲-۱۳۹۹) تأثیرگذار بوده‌اند یا خیر؟

در ادامه، در بخش دوم ادبیات نظری موضوع ارائه می‌شود. بخش سوم به پیشینه پژوهش اختصاص دارد. سپس، روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش خواهد آمد. در نهایت، بحث و نتیجه-گیری ارائه می‌شود.

۲. ادبیات موضوع

۲-۱. بودجه به عنوان یک منبع مشاع

اولین بار گرت هاردین[1] در مقاله معروف خود با نام «تراژدی منابع مشاع»[2] (۱۹۶۸) به این نکته اشاره کرد که اگر یک کالای همگانی در اختیار گروهی از افراد قرار گیرد که برای آن‌ها به صورت مشترک قابل استفاده باشد، با بروز تمایل به مصرف بی‌رویه[3] توسط ذی‌نفعان، آن کالای عمومی عملاً از بین خواهد رفت و از آنجا که این قبیل مشکلات فاقد راه‌حل تکنیکی هستند، می‌توان آن‌ها را یک تراژدی نامید؛ زیرا، در این قبیل مسائل، استراتژی انتخابی افراد، اتخاذ

1. Gareth Hardin
2. The Tragedy of the Commons
3. Overharvest

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

استراتژی عدم همکاری در استفاده از کالای همگانی است که نتیجه آن بروز پدیده سواری مجانی[1] خواهد بود؛ شرایط، زمانی بدتر خواهد شد که عوامل بیرونی نیز انگیزه‌ی نادیده گرفتن منافع همگانی را تقویت کنند. از نظر استروم[2] (۱۳۹۳) اگر تقلیل‌پذیری[3] کالای دارای مصرف مشترک، سبب کاهش حجم در دسترس برای سایر افراد شود و مستثنا کردن افراد نیز هزینه‌بر باشد، انگیزه قوی برای استفاده بی‌رویه از منبع اشتراکی به وجود می‌آید و عایدی این بازی غیرهمکارانه یک مرحله‌ای، بسیار کم‌تر از شرایطی خواهد بود که ذی‌نفعان بتوانند به یک راهبرد همکاری دست یابند.

با این توضیح، بودجه عمومی کل کشور نیز دارای ویژگی‌های یک منبع مشاع است که در اختیار نمایندگان مجلس قرار دارد و آن‌ها را به سمت مصرف بی‌رویه منبع در جهت تأمین مالی پروژه‌هایی خاص در حوزه‌های انتخابیه سوق می‌دهد (شپسل و وینگست[4]، ۱۹۸۱a؛ وینگست و همکاران، ۱۹۸۱؛ نایت[5]، ۲۰۰۴؛ هان و همکاران[6]، ۲۰۱۳؛ تانگ و همکاران[7]، ۲۰۱۴؛ فریتز و فلد[8]، فلد[8]، ۲۰۲۰) و این انگیزه برای نمایندگان به وجود می‌آید که با هدف کمک به حوزه انتخابیه و در راستای تصویب پروژه‌های عمرانی منطقه‌ای تلاش کنند. در واقع، اگرچه ممکن است نماینده مجلس از کاهش هزینه‌های دولت حمایت کنند، اما کاهش بودجه پیشنهادی برای حوزه انتخابیه آن‌ها از این امر مستثنا است (وینگست و همکاران، ۱۹۸۱) و تاکنون، اعمال هرگونه محدودیت‌های قانونی و آیین‌نامه‌ای نتوانسته است این روال را تغییر دهد (کلینگ‌اسمیتز[9]، ۲۰۱۴؛ لینچ[10]، ۲۰۲۰). در این شرایط، هر پروژه‌ای که بیشترین منافع را به حوزه انتخابیه سرازیر کند و یا

1. Free Riding
2. Ostrom
3. Subtractability
4. Shepsle & Weingast
5. Knight
6. Hann et al.
7. Tang et al.
8. Fritz & Feld
9. Klingensmith
10. Lynch

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

کم‌ترین بار هزینه‌ای را برای منطقه مزبور به‌همراه داشته باشد، با احتمال بیشتری خواهد توانست رأی موافق نماینده به دست آورد (کاساس و گانزالس- ایراس[1]، ۲۰۲۱). بنابراین، نمایندگان به‌طور مطلق، خواهان کاهش هزینه‌های دولتی نیستند و در این بین، هزینه‌های سرمایه‌ای بیش از هزینه‌های جاری مورد توجه قرار دارند (نایت، ۲۰۰۴؛ لی و دیگران، ۱۳۹۵، ص۳۹۸) و این موضوع، بروز مسئله منبع مشاع را تشدید می‌کند.

در واقع، یکی از دشواری‌های نمایندگان مجالس ملی قانون‌گذاری را می‌توان چگونگی تعیین اولویت میان توجه به موضوعات ملی و رسیدگی به مسائل محلی در حوزه‌های انتخابیه دانست. شاید بزرگ‌ترین هنر آن‌ها، برقراری نوعی سازش میان این منافع بعضاً متعارض باشد. رسیدگی به مسائل محلی حوزه انتخابیه تحت عنوان «خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه»[2] شامل مجموعه اقداماتی است که توسط نماینده با هدف منفعت‌رسانی به محدوده جغرافیایی حوزه نمایندگی یا تأمین منافع اشخاص و گروه‌های ساکن در آن منطقه انجام می‌شود. این فعالیت‌ها شامل کمک به ساکنان حوزه‌های انتخابیه به‌طور مستقیم یا از طریق وضع قوانین است. خدمت‌رسانی به حوزه‌های انتخابیه در واقع بخشی از مفهوم موسع دموکراسی نمایندگی است که بر ارتباط متقابل نمایندگان و مردم تأکید دارد.

در رابطه با تجزیه‌وتحلیل رفتار نمایندگان در رابطه با این وظیفه خاص، سه دسته نظریه مطرح است (چیرو[3]، ۲۰۱۵):

الف- *نظریه اجتماعی شدن*[4]: بر طبق این نظریه، جهت‌گیری نسبت به حوزه انتخابیه، از فرآیند گذشته‌ی اجتماعی شدن اعضای مجلس در فضای سیاسی و اداری منطقه و یا از ریشه‌های محلی و تجربه‌های زندگی در منطقه نشأت می‌گیرد. نماینده با وجود این پیش‌زمینه، خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه را به‌عنوان اولویت در نظر می‌گیرد؛ زیرا حل مسائل مربوط به مسکن یا دادخواهی، بخشی

1. Casas & Gonzalez-Eiras
2. Constituency Services
3. Chiru
4. Socialization Theory

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

از وظایف آن‌ها را تشکیل می‌دهد. تفاوت‌های فرهنگی میان کشورها یا مناطق، در شکل‌گیری انتظارات و تقاضا از نماینده انتخابی تأثیرگذار است.

ب- *نظریه نهادگرایی جامعه‌شناختی*[1]: سؤال اساسی این نظریه، پرسش از چیستی هنجارها و قواعدی است که فرد نماینده در یک موقعیت نهادی مشخص و در یک مرحله کاری معلوم ملزم به پیروی از آن‌ها است. در این نظریه، تمرکز اصلی بر معیارهای روانی یا احساسی است که بر پاداش ذاتی ایفای نقش نمایندگی مجلس تأکید دارد؛ مواردی نظیر ارضای حس وظیفه، حس تلاش، رقابت‌جویی و غیره.

ج- *نظریه نهادگرایی انتخاب عقلایی*[2]: این دسته از نظریات بر انگیزه‌های ابزاری[3] تأکید دارند؛ نمایندگان مجلس، خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه را به‌صورت استراتژیک و با هدف حداکثر کردن احتمال انتخاب مجدد توسط ساکنان منطقه انجام می‌دهد. به‌طوری که اغلب زندگی نمایندگی آن‌ها، در تلاش برای دست‌یابی به فرصت‌هایی است که همچنان تحت عنوان نماینده باقی بمانند. البته بروز این کنش، معطوف به محیط نهادی است که بر اساس آن، دریافتی نماینده در نتیجه چگونگی اجرای توزیع بودجه و ابزارهایی که وی در اختیار دارد، مشخص می‌شود. ساختار رأی‌گیری[4]، اندازه حوزه انتخابیه[5] و فرمول انتخاباتی[6] از عوامل مؤثر بر نحوه عملکرد فرد نماینده به شمار می‌آیند (کریستنسن و سلوی[7]، ۲۰۱۷؛ چیرو، ۲۰۱۸؛ ماسکین و تیرول[8]، ۲۰۱۹؛ کلینگ‌اسمیتز، ۲۰۱۹؛ جاینزا و همکاران[9]، ۲۰۲۱؛ کاوایورا و همکاران[10]، ۲۰۲۳). این رفتار بر اساس منطق مدل «رأی‌دهی گذشته‌نگر»[11] فرجان[1] (۱۹۸۶) توجیه می‌شود که معتقد است رأی-

1. Sociological Institutionalism Theory
2. Rational Choice Institutionalism Theory
3. Instrumental Motivations
4. Ballot Structure
5. District Magnitude
6. Election Formula
7. Christensen & Selway
8. Maskin & Tirole
9. Gainza et al.
10. Kawaura et al.
11. Retroactive Voting

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

دهندگان بر اساس اطلاعاتی که از آخرین دوره تصدی نماینده به دست می‌آورند، نسبت به انتخاب یا عدم انتخاب مجدد نماینده فعلی تصمیم‌گیری خواهند کرد.

بنابراین، فرایند تدوین و تصویب بودجه همواره با مذاکره و چانه‌زنی همراه است و باید از میان منافع متفاوت و گاه حتی متضاد دستگاه‌های مختلف دست به انتخاب زد؛ به‌طوری که می‌توان ادعا کرد «بودجه‌ریزی غیرسیاسی وجود ندارد» و نتیجه قابل پیش‌بینی این وضعیت، ناکارایی احتمالی در تخصیص منابع خواهد بود. در این چارچوب، انتخاب‌ها و تصمیمات به‌جای آن‌که صرفاً مبتنی بر نظرات کارشناسانه باشد، بر مبنای قدرت سیاسی طرف‌های مذاکره‌کننده شکل می‌گیرد که سبب افزایش ابهام و عدم شفافیت تعیین اعتبارات و نوع طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی می‌شود و از آنجا که هر نماینده، خالص منافع نهایی[2] حاصل از اجرای طرح‌های عمرانی منطقه خود را مثبت ارزیابی می‌کند، متقاضی دریافت سهمی بیشتر از منابع بودجه در قالب اعتبارات عمرانی خواهد بود که به ویژگی‌های حوزه انتخابیه وابسته است. به این ترتیب، مناطقی که از زیرساخت‌های نظامی، کشاورزی، تجاری و... برخوردار باشند، نمایندگان خود را به عضویت در کمیسیون‌های مربوطه ترغیب می‌کنند تا از این طریق از تداوم بودجه اختصاصی خود اطمینان حاصل کنند (لازاروس[3]، ۲۰۱۰؛ کلمنز و همکاران[4]، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵b؛ زاپیا[5]، ۲۰۱۶)؛ در واقع، منافع خاص حاصل از اختصاص بودجه‌های سرمایه‌ای، زمینه اعمال فشارهای سنگین گروه‌های ذی‌نفوذ را فراهم می‌کند (شیائوکامپو و توماسی، ۱۳۸۹) این امر که افزایش انگیزه‌های منطقه‌ای تصمیم‌گیران محلی برای تلاش در جهت تعریف و تصویب طرح‌های جدید و یا افزایش مقیاس آن‌ها را به دنبال دارد، اگر به یک الگوی رفتاری تبدیل شود، نظام بودجه‌ریزی را با انبوهی از تعهدات عمرانی مواجه می‌سازد که فراتر از توان مالی و اجرایی کشور بوده و ناگزیر بر دوره ساخت این پروژه‌ها

1. Ferejohn
2. Net Marginal Benefit
3. Lazarus
4. Clemens et al.
5. Zappia

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

می‌افزاید (ملک‌الساداتی و دیگران، ۱۳۹۳). از این‌رو، طی دوره زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۹ به‌طور میانگین، نرخ جایگزینی پروژه‌های عمرانی، ۲۳۶/۵ درصد بوده است؛ به‌عبارت دیگر، به‌طور میانگین، سالانه در ازای پایان یافتن یک پروژه عمرانی، ۲/۳۶۵ پروژه جدید آغاز شده است. این شاخص که نمادی از اشتیاق به برداشت از منابع بودجه برای اجرای طرح‌های عمرانی است، گاه از آستانه ۴۵۰ درصد نیز فراتر رفته است (ملک‌الساداتی، ۱۳۹۲).

۲-۲. مؤلفه‌های موقعیتی اثرگذار بر شکل‌گیری کنش بودجه‌ای نمایندگان مجلس شورای اسلامی

بر اساس قانون اساسی کشور، وظایف نمایندگی در دو حوزه قانون‌گذاری و نظارتی تعریف شده است؛ اما روال فعالیت در مجلس، رسیدگی به مشکلات حوزه انتخابیه را نیز جزء مجموعه وظایف نمایندگان می‌داند. اگرچه ممکن است درصد کمی از نمایندگان خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه را اولویت اول خود بدانند، اما برای سایر نمایندگان نیز چالش‌هایی نظیر کم بودن درصد آراء یا نبود سابقه قانون‌گذاری و تلاش برای کسب شهرت سبب می‌شود که این موضوع با اهمیت جلوه کند؛ زیرا، لازمه جلب مجدد آرا، فعالیت در راستای منافع حوزه انتخابیه حتی بیش از ارزش‌گذاری ذهنی نماینده است. به عبارت دیگر، قرار گرفتن در موقعیت کرسی حاشیه‌ای[1]، ناگزیر تمرکز بر خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه را افزایش می‌دهد.

نکته قابل توجه در این موضوع، عدم وجود اطلاعات مستند از نحوه و میزان مداخله نمایندگان مجلس شورای اسلامی در راستای خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه است. در واقع، پیگیری‌های غیررسمی با استفاده از قدرت چانه‌زنی و نفوذ فرد نماینده در فضای سیاسی و بوروکراسی کشور صورت می‌گیرد. از این رو، این پژوهش به بررسی چند مؤلفه موقعیتی که بر افزایش قدرت نفوذ نماینده اثرگذار است می‌پردازد:

1 .Marginal Seat

در مقابل مفهوم «کرسی امن» (Safe Seat)؛ کرسی که با اختلاف آرای ۱۰ درصد و کمتر برنده نهایی انتخابات شده است (سعید، نوری‌نیا و محمدعلی‌پور، ۱۳۸۳).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

۲-۲-۱. حضور در جایگاه‌های ویژه پارلمانی مجلس شورای اسلامی

در این مقاله، منظور از جایگاه‌های ویژه نمایندگی، حضور در موقعیت‌هایی است که امکان اثرگذاری بر فرایند تصویب بودجه را محقق کند. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه با خبرگان، یکی از موقعیت‌های مهم در فضای مجلس شورای اسلامی که قدرت لابی‌گری نماینده را افزایش می‌دهد، عضویت در هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی است. بر اساس ماده (۱۳) آیین‌نامه داخلی مجلس، هیئت رئیسه مرکب از رئیس، دو نایب‌رئیس، شش دبیر و سه ناظر بوده و فعالیت آن‌ها در سایر کمیسیون‌ها با محدودیت‌هایی مواجه است.[۱] بر اساس ماده (۲۲) این آیین‌نامه وظایف و اختیارات هیئت رئیسه شامل نظارت بر کلیه امور اداری، مالی، استخدامی و سازمانی مجلس، تصویب بودجه پیشنهادی مجلس و حقوق مالی نمایندگان، تصمیم‌گیری در خصوص دعوت از اشخاص حقیقی و حقوقی، بررسی و حل‌وفصل مسائل و مشکلات کمیسیون‌ها و شعب و اتخاذ تصمیم در موارد اختلافی یا عدم رعایت آیین‌نامه، تهیه و تنظیم برنامه هفتگی مجلس و... است. از دیگر مسئولیت‌های هیئت رئیسه، ارجاع رسیدگی به موادی از لایحه بودجه به کمیسیون‌های تخصصی است.

صلاحیت تأیید نهایی پیشنهادهای بودجه‌ای ارائه شده نمایندگان به کمیسیون‌های مربوطه و جمع‌بندی نهایی گزارش کمیسیون بر عهده ریاست کمیسیون است (مواد (۱۴۳) و (۱۴۴) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی). در واقع، با رد پیشنهاد نماینده توسط ریاست کمیسیون، تنها گزینه ممکن برای نماینده پیشنهاددهنده، ارائه طرح در صحن علنی و تلاش برای جلب آرای سایر نمایندگان خواهد بود و این جایگاه ریاست کمیسیون را نشان می‌دهد.

موقعیت مهم دیگر، عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات است که در کنار کمیسیون‌های صنایع و معادن و کمیسیون اقتصادی، غالباً با بیشترین داوطلب عضویت مواجه است.

---

۱. بر اساس ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی هیچ‌کدام از اعضای هیئت رئیسه نمی‌توانند به عضویت کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس انتخاب شوند و در صورت عضویت پیشینی، از کمیسیون مذکور مستعفی شناخته می‌شوند. در رابطه با سایر کمیسیون‌ها نیز امکان فعالیت به‌عنوان رئیس یا سخنگوی کمیسیون وجود ندارد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

به دلیل کثرت تقاضای عضویت، آیین‌نامه داخلی مجلس در ذیل مواد (۳۶) و (۳۷) معیار تحصیلات، سوابق اجرایی و نمایندگی مجلس و عضویت در کمیسیون مربوطه را از جمله امتیازات لازم برای کسب صلاحیت عضویت در این کمیسیون‌ها قرار داده است. در این کمیسیون می‌توان در رابطه با برخی ردیف‌ها نظیر اعتبارات موسوم به «بودجه‌های متمرکز» که مصرف معینی ندارند یا «بالا بردن توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته» به رقابت و چانه‌زنی پرداخت.

ویژگی‌های خاص حضور در کمیسیون تلفیق، به معنای تنها کمیسیونی که مسئولیت مستقیم بررسی لایحه را بر عهده دارد، امری بدیهی است. در واقع، آنچه در صحن علنی مورد بررسی قرار می‌گیرد، نظر کمیسیون تلفیق در خصوص توزیع اعتبارات بودجه‌ای است. به‌طوری که با وجود تبصره «۲» ماده (۴۱) آیین‌نامه داخلی مجلس مبنی بر ممنوعیت «پیشنهادهای مربوط به حوزه‌های انتخابیه اعضای کمیسیون تلفیق، جهت ایجاد ردیف جدید یا افزایش اعتبارات یا تغییر عنوان طرح‌ها»، همچنان مسئله حمایت از دستگاه‌ها و جلب نظر گروه‌های فشار قابل پیگیری است. علاوه بر این، منابع درآمدی اضافه شده بر اساس پیشنهادهای مجلس، همچنان می‌تواند محل چانه‌زنی برای تصاحب بودجه افزایش‌یافته باشد.

۲-۳-۲. سابقه حضور نماینده در مجلس شورای اسلامی

سابقه حضور و ارشدیت به معنای تسلط نماینده بر روال‌های رسمی و غیررسمی مجلس است که می‌تواند وی را در موقعیت ممتاز اثرگذاری بر فرایند بودجه‌ریزی و به‌طور مشخص، روال تصویب بودجه قرار دهد. از طرف دیگر، ایجاد ارتباط با فضای خارج از مجلس و تعمیق و تثبیت تدریجی آن در طول زمان، ضمن افزایش قدرت نفوذ نماینده و حتی امکان پیگیری بودجه موردنظر پیش از تقدیم لایحه بودجه به مجلس، امکان پیگیری ابقای سیاسی در جریان انتخابات آینده را از مسیرهایی غیر از افزایش بودجه عمرانی منطقه‌ای فراهم می‌کند. عدم تأیید ارتباط مزبور می‌تواند ناشی از وجود کانال‌های دیگری نظیر ابزار رسانه، ارائه نطق در صحن علنی و سایر ابزارهای ایجاد اعتبار و شهرت باشد که نماینده را از پرداختن به تأمین بودجه پروژه‌های منطقه‌ای معاف کرده

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

است. علاوه بر این‌که، مؤلفه ارشدیت به خودی خود می‌تواند به‌عنوان عاملی اثرگذار در جلب آرا و افزایش احتمال انتخاب مجدد ظاهر شود (دوکت و همکاران[1]، ۲۰۱۳).

با این حال، انتظار می‌رود با افزایش تجربه نماینده، سطح عملکرد وی در خصوص قواعد حاکم بر پارلمان، شبکه ارتباطی وی با سایر سیاستمداران و جایگاه حزبی وی ارتقا یابد. در نتیجه، به دلیل اولویت قرار گرفتن ارشدیت در مقابل صلاحیت و بروز کاهش کیفیت نمایندگی، زیان خالص اجتماعی به وجود می‌آید که الهاگ[2] و دیگران (۱۹۹۷) از آن به «دام ارشدیت»[3] تعبیر می‌کنند (دباکر[4]، ۲۰۱۱).

۳. پیشینه تحقیق

بر اساس مطالعات صورت گرفته و در قالب یک جمع‌بندی کلی می‌توان ادعا نمود متغیرهای سیاسی و انتخاباتی بر حجم، کیفیت و گزینش منطقه هدف در سرمایه‌گذاری‌های عمرانی اثرگذار هستند (همس[5]، ۲۰۱۵؛ لن و همکاران[6]، ۲۰۱۸؛ روگر سومانی[7]، ۲۰۲۳). تا جایی که بر اساس مطالعه کادوت و همکاران[8] (۲۰۰۶) هدف از سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در کشور فرانسه (به‌طور مشخص، حوزه حمل‌ونقل، تأمین اهداف سیاسی و غیر از افزایش نرخ رشد اقتصاد است.

در این بین، اگرچه سیاستمدار حاکم برای افزایش احتمال انتخاب مجدد خود در موقعیت برتر قرار دارد (مایهیو[9]، ۱۹۷۴؛ جلمن و هانگ[10]، ۲۰۰۸؛ فولر[11]، ۲۰۱۸)، اما ارتباط ارشدیت با بودجه پروژه‌های اختصاصی به‌ندرت به‌عنوان یک متغیر مورد توجه قرار گرفته است و در رابطه با

1. Duquette et al.
2. Elhauge et al.
3. Seniority Trap
4. DeBacker
5. Hammes
6. Lehne et al.
7. Rogger & Somani
8. Cadot et al.
9. Mayhew
10. Gelman & Huang
11. Fowler

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

مقالات موجود نیز نمی‌توان به نتیجه قطعی رسید. با این حال، در کنار مقالاتی که رابطه میان ارشدیت و بودجه پروژه‌های اختصاصی را مورد تأیید قرار می‌دهند (لازاروس، ۲۰۰۹؛ وو و ویلیامز[1]، ۲۰۱۵؛ یولوباسوقلو و یاراسیر-تولومس[2]، ۲۰۱۹)، برخی مقالات حضور نماینده دارای سابقه فعالیت نسبت به انتخاب نماینده جدیدالورود[3] را به لحاظ آماری اثرگذار نمی‌دانند (کلمنز و دیگران، ۲۰۱۵a؛ فولر و هال[4]، ۲۰۱۵ a,b). دِباکر (۲۰۱۱) نیز ضمن رد ارتباط کلی میان ارشدیت و و بودجه پروژه‌های اختصاصی منطقه‌ای، بر نقش اثرگذار سابقه عضویت در کمیته‌های خاص بر مخارج فدرال در حوزه انتخابیه تأکید دارد.

در همین رابطه و بر اساس رویکرد نظریه «منافع حضور در کمیته»[5]، کمیته‌های تخصیص کنگره و کمیته‌های فرعی آن به‌عنوان نهادهایی در سازمان‌دهی پارلمانی شناخته می‌شوند که ترکیب اعضای آن‌ها متشکل از مجموعه نمایندگانی است که اختصاص بودجه عمرانی منطقه‌ای به نفع حوزه انتخابیه را در اولویت خود قرار داده‌اند (وینگست، ۱۹۷۹؛ وینگست و همکاران، ۱۹۸۱؛ شپسل و وینگست، ۱۹۸۷؛ وینگست و مارشال[6]، ۱۹۸۸). بر این اساس، نایت (۲۰۰۵) به ارتباط مثبت میان تأمین بودجه حمل‌ونقل در ایالت‌های آمریکا با عضویت حداقل یکی از نمایندگان منطقه در کمیته مزبور اشاره دارد. مطالعات متعددی وجود دارد که رابطه میان اختصاص بودجه منطقه‌ای با حضور نمایندگان منطقه در کمیته تخصیص[7] و کمیته‌های فرعی آن[8] را مورد تأیید قرار قرار داده‌اند (کرسپین و فینوچیارو[9]، ۲۰۰۸؛ لازاروس و استیگروالت[10]، ۲۰۰۹؛ کلمنز و دیگران، ۲۰۱۵a). علاوه بر این، وو و ویلیامز (۲۰۱۵) در بررسی داده‌های مرتبط با نمایندگان ایالت

1. Wu & Williams
2. Ulubasoglu & Yaraşır-Tülümce
3. Freshman
4. Hall
5. Committee Benefits
6. Marshall
7. Appropriations Committee
8. Appropriations Subcommittee
9. Crespin & Finocchiaro
10. Steigerwalt

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

نیویورک (۲۰۰۷-۲۰۱۰) نقش مؤلفه‌هایی نظیر عضویت در حزب اکثریت، ارشدیت و حضور در جایگاه‌های مؤثر قوه مقننه (رهبری حزب اکثریت یا عضویت در کمیته‌های خاص) را در جذب بودجه منطقه‌ای مؤثر می‌دانند. بری[1] و فولر (۲۰۱۶) تنها به قدرت نفوذ رؤسای کمیته‌های فرعی کمیته تخصیص در فرایند تصویب بودجه در کنگره آمریکا اشاره دارند و هوموند و روزنشتایل[2] (۲۰۲۰) در یک مطالعه جامع تمام جایگاه‌های ویژه پارلمانی را در توزیع بودجه منطقه‌ای مؤثر می‌دانند.

در رابطه با مطالعات داخلی، تاکنون مسئله بررسی ارتباط میان افزایش بودجه عمرانی با مؤلفه‌های موقعیتی نمایندگان مجلس شامل جایگاه‌های ویژه پارلمانی و ارشدیت مورد توجه نبوده است. ملک‌الساداتی (۱۳۹۲) در رساله دکتری خود بر اساس تحلیل محتوای نطق پیش از دستور نمایندگان مجلس، به مسئله ارتباط میان خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه با نظام انتخاباتی می‌پردازد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در صورت تحقق نظام انتخابات استانی و اجرای این تغییر نهادی، مشکل منبع مشاع کاهش خواهد یافت. در سایر مطالعات، هدف‌گذاری انتخاباتی در موضوع خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه و رویکرد پیگیری منافع محلی نسبت به منافع ملی مورد تأیید قرار گرفته است. به‌طور مثال، می‌توان به مقالات ارائه شده توسط سعید و دیگران (۱۳۸۳) از طریق مشاهده روند انجام فعالیت‌ها و مراجعات در دفاتر حوزه انتخابیه نمایندگان و نیز توزیع پرسش‌نامه؛ رکن‌آبادی و شعبان شمیرانی (۱۳۹۲) از طریق بررسی مفاد تذکرات کتبی نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی به مسئولان اجرایی و نیز سؤال از رئیس‌جمهور و وزرا؛ اورکی کوه‌شور و مایلی (۱۳۹۶) با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی و استخراج گزاره اصلی و دال مرکزی سخنرانی‌های پیش از دستور نمایندگان سه دوره مجلس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی؛ حسین‌پور و دیگران (۱۳۹۸) در ارزیابی خط‌مشی‌های اقتصادی مصوب مجلس شورای اسلامی شامل مجالس هفتم، هشتم و نهم (۱۳۸۳-۱۳۹۳) با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه با ۱۶ نفر از

1. Berry
2. Hammond & Rosenstiel

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

خبرگان حوزه قانون‌گذاری در مجلس شورای اسلامی؛ زینالو، علی‌احمدی و نریمان (۱۳۹۸) به واسطه مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۳۲ تن از نخبگان مرتبط با حوزه قانون‌گذاری؛ طاهرپور و همکاران (۱۳۹۹) در افزایش بودجه عمرانی استانی (سرانه) در سال منتهی به انتخابات و در نهایت، دین‌محمدی و فرهادی (۱۴۰۱) بر اساس تحلیل استنباطی از تغییرات کمّی لوایح بودجه (۱۳۷۶-۱۴۰۰) با تمرکز بر جداول مربوط به اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای اشاره کرد.

٤. روش تحقیق

هدف از این پژوهش بررسی نقش مؤلفه‌های موقعیتی نمایندگان دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱-۱۳۹۸) در فرایند تصویب بودجه کل کشور (۱۳۹۲-۱۳۹۹) بر اساس مقایسه میان ارقام پیوست یک لایحه بودجه کل کشور با ارقام قانون بودجه برای ۳۱ استان کشور است. بنابراین، تغییرات اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در فرآیند تصویب قانون بودجه کل کشور در مجلس شورای اسلامی نسبت به ارقام مندرج در لایحه بودجه، به‌عنوان متغیر تلاش نماینده برای منفعت‌رسانی به حوزه انتخابیه تحت عنوان «کنش بودجه‌ای نماینده» مورد توجه خواهد بود که بر اساس واحد استان در نظر گرفته می‌شود؛ به این ترتیب که فرض می‌شود افزایش بودجه هر پروژه عمرانی از محل درآمدهای ملی که محدود به یک استان مشخص باشد، توسط نمایندگان همان استان پیگیری شده و افزایش رقم ردیف بودجه، حاکی از اثرگذاری نمایندگان استان بر فرایند تصویب پارلمانی بودجه است.

در این پژوهش متغیرهای مستقل شامل متغیرهای موقعیتی نمایندگان نظیر عضویت در جایگاه‌های ویژه پارلمانی و برخورداری از سابقه نمایندگی (ارشدیت) و نیز متغیر تقاضای منطقه با شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی استان به‌عنوان شاخص نیاز به جذب بودجه عمرانی در راستای

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

کاهش محرومیت استان معرفی شده‌اند. بر این اساس، مدل پنل دیتای مقاله به‌صورت زیر خواهد بود (کلمنز و دیگران، 2015a,b؛ بری و فولر، ۲۰۱۶؛ هومند و روزنشتایل، ۲۰۲۰)[1]:

$$Y_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 Board_{it} + \beta_2 Chairman_{it} + \beta_3 Budget_Com_{it} + \beta_4 Joint_Com_{it} + \beta_5 Seniority_{it} + \beta_6 GDP_per_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

متغیر وابسته Y_{it+1} تغییر اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی در فرایند تصویب بودجه است که از مقایسه میان لایحه و قانون بودجه کل کشور منطبق با دوره‌های نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲-۱۳۹۹) به‌دست آمده و محدود به یک استان است.

$Board_{it}$ تعداد نمایندگان استانی حاضر در هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی برای دوره مورد مطالعه را نشان می‌دهد. به همین ترتیب، متغیر $Chairman_{it}$ تعداد نمایندگان استانی دارای موقعیت ریاست کمیسیون تخصصی، متغیر $Budget_Com$ تعداد نمایندگان عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و متغیر $Joint_Com_{it}$ تعداد نمایندگان استانی عضو کمیسیون تلفیق را نشان می‌دهد. انتخاب این جایگاه‌های ویژه بر اساس مصاحبه با خبرگان صورت گرفته است.

متغیر $Seniority_{it}$ نشان‌دهنده متوسط سابقه نمایندگان استان در این دو دوره مجلس شورای اسلامی است. در نهایت، GDP_per_{it} به‌عنوان متغیر تقاضای منطقه، سرانه تولید ناخالص داخلی استان را نشان می‌دهد.

جمع‌آوری داده‌ها از طریق سایت مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سایت مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. نتایج ارائه شده بر اساس خروجی نرم‌افزار استتا ۱۷[2] خواهد بود.

---

۱. ذکر این نکته ضروری است که بنا به تفاوت در قانون اساسی و نظام سیاسی کشورهای مختلف، جایگاه‌های پارلمانی مؤثر بر فرایند تصویب بودجه با یکدیگر متفاوت‌اند و متغیرهای مورد استفاده در این مقاله، بر اساس مصاحبه با خبرگان احصاء شده است.

2. Stata17

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

در این بخش، اطلاعات توصیفی از متغیرهای مدل ارائه می‌شود. جدول (۱) اطلاعات کلی از این متغیرها را ارائه کرده است که مربوط به اطلاعات ۳۱ استان طی بازه زمانی هشت‌ساله (۲۴۸ مشاهده) خواهد بود.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی از متغیرهای مدل

متغیرها	شاخص	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداک
Y	تغییر در اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی (میلیارد ریال)	۴۵۸/۲۷۲۵	۷۵۰/۵۲۵۲	-۱۰۸/۱۳	۳۲/۸۱۵
Broad	تعداد نمایندگان استانی حاضر در هیئت رئیسه مجلس	۰/۳۸۷۰	۰/۷۳۳۳	۰	۴
Chairma	تعداد نمایندگان استانی حاضر در سمت ریاست کمیسیون تخصصی	۰/۵۸۰۶	۰/۸۳۵۴	۰	۴
Budget_c	تعداد نمایندگان استانی عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات	۰/۴۲۷	۰/۸۱۲۰	۰	۳
Joint_co	تعداد نمایندگان استانی عضو کمیسیون تلفیق	۱/۵۲۰۱	۱/۴۰۸۳	۰	۶
Seniorit	متوسط سابقه فعالیت نمایندگان استان	۵/۱۹۶۸	۱/۹۱۵۵	۱	۱۰/۴
GDP_pe	سرانه تولید ناخالص داخلی استان	۱۹/۳۸۶۶	۱۶/۹۷۲۲	۲/۰۱۳۶	۰/۸۰۲۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات جدول (۱)، بیشترین مقدار تغییر در اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی در دوره مورد بررسی متعلق به استان تهران در فرایند تصویب بودجه سال ۱۳۹۸ و کمترین رقم با ثبت عدد منفی، به استان سمنان مربوط می‌شود که به دلیل حذف ردیف‌های بودجه‌ای مربوط به انتقال آب از دریای مازندران به استان سمنان در فرایند تصویب بودجه سال ۱۳۹۲ با کاهش جدی مواجه شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

نمودار (۱) مجموع تغییر اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای را برای دو دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد.

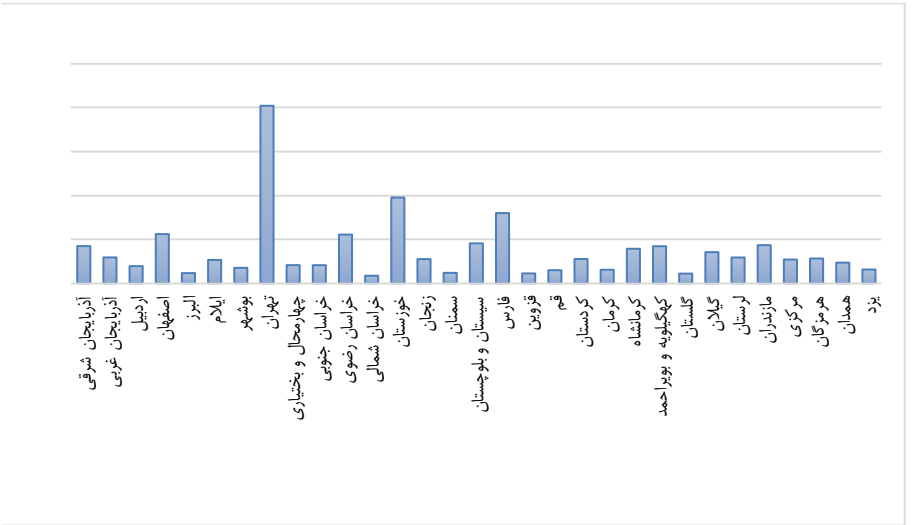

نمودار ۱- تغییر در اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (میلیارد ریال)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات جدول (۱) در رابطه با متغیر Board، هفده استان از ۳۱ استان هیچ‌گاه در سمت هیئت رئیسه مجلس قرار نگرفته‌اند. در سال ۱۳۹۷ و در جریان تصویب بودجه سال ۱۳۹۸، استان تهران با در اختیار داشتن چهار نماینده و در مابقی سال‌ها با سه نماینده بیشترین حضور در این جایگاه را از آن خود کرده است.

در رابطه با ریاست کمیسیون تخصصی، در دوره مورد بررسی یازده استان هیچ‌گاه در سمت رئیس کمیسیون تخصصی قرار نداشته‌اند. بالاترین حضور متعلق به استان تهران در دوره نهم با چهار نماینده و استان‌های فارس و لرستان در دوره دهم مجلس شورای اسلامی است که سه نماینده آن‌ها در جایگاه ریاست کمیسیون تخصصی فعالیت کرده‌اند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

کمترین حضور در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات متعلق به پنج استان و بیشترین حضور مربوط به استان‌های تهران و فارس در دوره نهم و استان کردستان در دوره دهم مجلس شورای اسلامی است. در رابطه با کمیسیون تلفیق نیز کمترین حضور متعلق به استان‌های بوشهر و یزد و بیشترین حضور مربوط به استان‌های تهران و مازندران در دوره نهم مجلس شورای اسلامی بوده است. به‌طورکلی، استان بوشهر در طی دو دوره و استان اردبیل طی دوره نهم مجلس شورای اسلامی در هیچ‌کدام از جایگاه‌های پارلمانی تعریف شده این تحقیق نماینده‌ای نداشته‌اند. نمودار (۲) کل اطلاعات مربوط به حضور نمایندگان استان در دوره مورد بررسی را نشان می‌دهد.

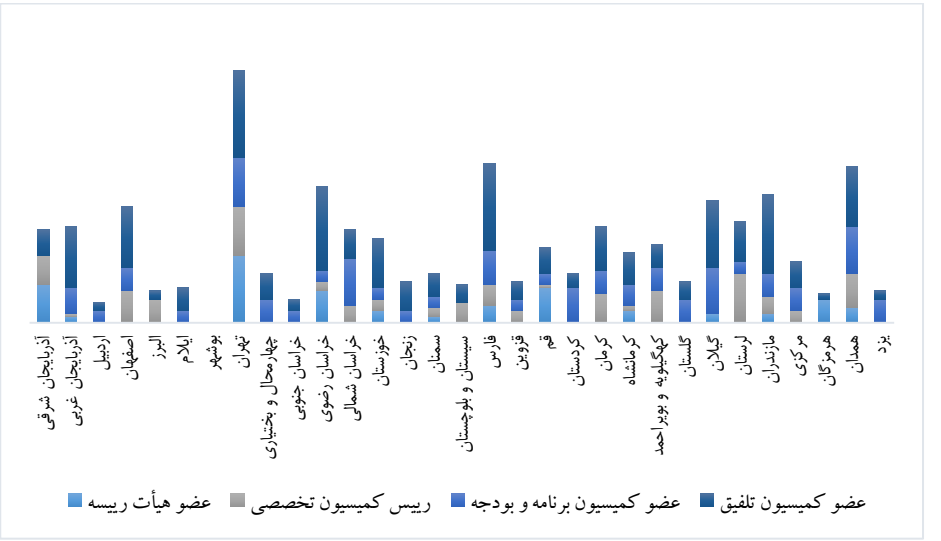

نمودار ۲- حضور نمایندگان استان در جایگاه‌های ویژه پارلمانی مؤثر بر فرایند تصویب بودجه کل کشور طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات جدول (۱)، در رابطه با متغیر Seniority، کمترین سابقه نمایندگی در دو دوره مجلس متعلق به استان‌های چهارمحال و بختیاری و ایلام بوده و بیشترین امتیاز ارشدیت به استان زنجان و سپس استان‌های تهران و هرمزگان تعلق دارد. نمودار (۱)، موضوع ارشدیت و سابقه نمایندگی نمایندگان استانی را طی دوره مورد نظر نشان می‌دهد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

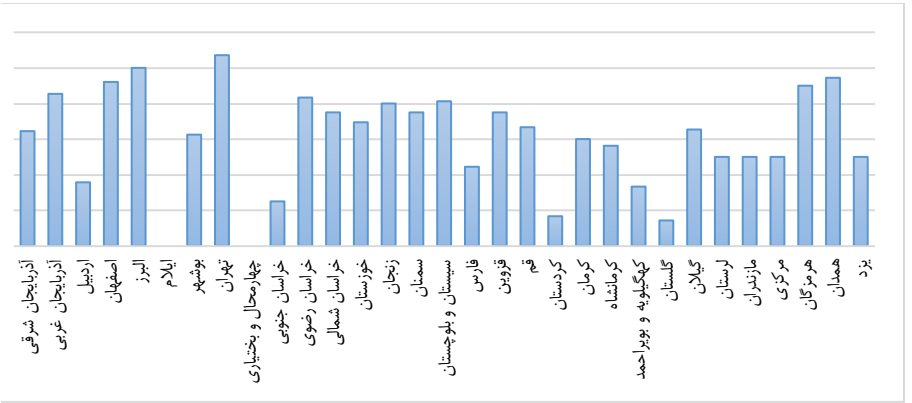

نمودار ۳- متوسط سابقه نمایندگان استان طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مجدداً بر اساس اطلاعات جدول (۱)، بیشترین سرانه تولید ناخالص داخلی استان متعلق به استان بوشهر (سال ۱۳۹۶) و کمترین سرانه تولید ناخالص داخلی استان مربوط به استان سیستان و بلوچستان (سال ۱۳۹۱) است. نمودار (۴) وضعیت کلی ۳۱ استان کشور را در دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد.

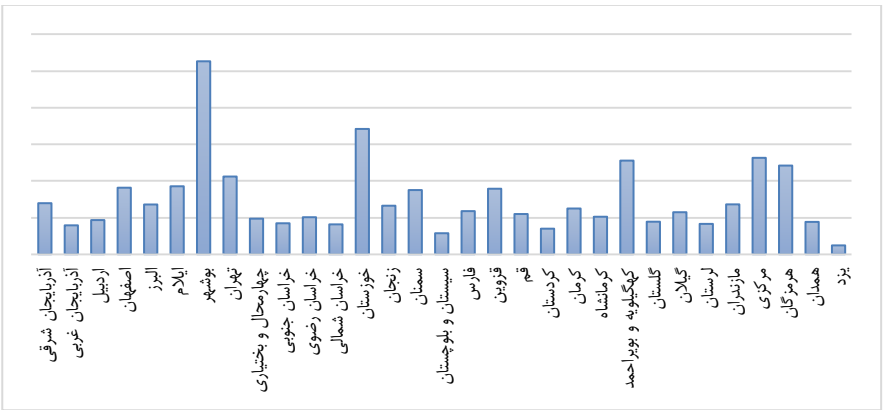

نمودار ۴- سابقه نمایندگی استان‌های کشور طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

۵-۲. برآورد مدل

به‌منظور انجام برآورد مدل داده‌های پانل، اولین گام استفاده از آزمون F لیمر[1] جهت بررسی تلفیقی بودن داده‌ها است[2]. در این آزمون مشخص می‌شود که آیا می‌توان عرض از مبدأ متفاوتی را برای مقاطع مدل در نظر گرفت یا خیر. پس از آن با استفاده از آزمون هاسمن[3]، ماهیت جزء ثابت مشخص‌کننده مقاطع مختلف آزمون مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس فرض صفر این آزمون، جزء ثابت مشخص‌کننده مقاطع (در آزمون اثرات ثابت یک‌طرفه) به صورت تصادفی میان واحدها و مقاطع توزیع شده است که معادل پذیرش وجود اثرات تصادفی در مدل است. در صورت عدم پذیرش فرض صفر، برآورد مدل با استفاده از مدل اثرات ثابت خواهد بود.

جدول ۲- نتایج آزمون داده‌های تلفیقی و آزمون هاسمن

نوع آزمون	مقدار آماره آزمون	ارزش احتمال	نتیجه
F لیمر	۲/۰۹	۰/۰۰۱۴	تأیید مدل اثرات ثابت
هاسمن	۲۶/۰۸	۰/۰۰۰۲	تأیید مدل اثرات ثابت

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با وجود تأیید برآورد مدل با اثرات ثابت، آزمون والد تعدیل‌شده[4] برای شناسایی ناهمسانی واریانس انجام می‌شود. بررسی وجود خودهمبستگی نیز از طریق آزمون ولدریج[5] خواهد بود.

1. F-Limer Test

۲. طول دوره زمانی مورد بررسی محدود به هشت سال است؛ بنابراین، نیازی به آزمون خودهمبستگی مقاطع و نیز ایستایی متغیرها نخواهد بود.

3. Haussmann Test
4. Modified Wald Test
5. Wooldridge Test

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

جدول ۳- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی

نوع آزمون	مقدار آماره آزمون	ارزش احتمال	نتیجه
آزمون والد تعدیل‌شده	۱۲۴۶۱/۹۰	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد
آزمون ولدریج	۰/۸۰۰	۰/۳۷۸۴	خودهمبستگی وجود ندارد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای برطرف کردن مشکل واریانس ناهمسانی، برآورد مدل با استفاده از روش GLS[1] خواهد بود. نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج حاصل از برآورد مدل

متغیر	برآورد ضرایب	انحراف معیار	t آماره	ارزش احتمال
Broad	۲۳۱/۹۲۷	۶۳/۹۲۱۴۴	۳/۶۳	۰/۰۰۰***
Chairman	۴۱/۷۷۹	۲۴/۹۹۶	۱/۶۷	۰/۰۹۵*
Budget_com	۳۸/۱۰۱	۲۲/۴۱۴	۱/۷۰	۰/۰۸۹*
Joint_com	۵۱/۴۶۸	۲۵/۵۱۴	۲/۰۲	۰/۰۴۴**
Seniority	-۴۶/۲۲۴	۱۳/۱۲۲	-۳/۵۲	۰/۰۰۰***
GDP_per	۰/۲۱۹	۱/۴۷۳	۰/۱۵	۰/۸۸۲
Cons	۳۸۴/۸۸	۷۷/۳۸۴	۴/۹۷	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

* معناداری در سطح اطمینان ۹۰ درصد، ** در سطح اطمینان ۹۵ درصد و *** در سطح اطمینان ۹۹ درصد.

بر اساس نتایج به‌دست آمده از برآورد مدل پژوهش، تمامی مؤلفه‌های موقعیتی نمایندگان شامل حضور در جایگاه‌های ویژه پارلمانی مؤثر بر فرایند تصویب بودجه و نیز برخورداری از امتیاز ارشدیت برای دوره زمانی مورد مطالعه – دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی – معنادار

1. Generalized Least Squares

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

گزارش شده‌اند. بنابراین، حضور نماینده استان در هیئت رئیسه مجلس با ضریب ۲۳۱/۹۳ واحد، ریاست کمیسیون تخصصی با ضریب ۴۱/۷۸ واحد، عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات با ضریب ۳۸/۱۰ واحد و عضویت در کمیسیون تلفیق با ضریب ۵۱/۴۷ واحد بر حجم بودجه عمرانی افزایش‌یافته‌ی استان از محل درآمدهای ملی طی فرایند تصویب پارلمانی بودجه اثرگذار بوده است. بر اساس اطلاعات جدول (۴) بیشترین اثرگذاری متعلق به اعضای هیئت رئیسه و کمترین اثرگذاری به اعضای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات تعلق دارد.

در این مدل، تأثیر سابقه نمایندگی یا امتیاز ارشدیت با ضریب منفی و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین، با هر واحد افزایش سابقه نمایندگان استان به‌عنوان منتخبین مردم در مجلس شورای اسلامی معادل ۴۴/۲۲ واحد از کنش بودجه‌ای نمایندگان استان در راستای جذب بودجه عمرانی بیشتر، اثر کاسته می‌شود. به‌عبارت بهتر، منفی بودن ضریب متغیر ارشدیت نشان می‌دهد که با افزایش سابقه نمایندگی و گسترش و تعمیق شبکه ارتباطی با سایر کنشگران فعال در عرصه اقتصاد و سیاست، میزان اهتمام نماینده به افزایش بودجه عمرانی استان در فرایند تصویب پارلمانی بودجه کل کشور کاهش می‌یابد. در واقع، در این شرایط، اهداف سیاسی - انتخاباتی و یا انگیزه خدمت‌رسانی نمایندگان از مسیرهایی غیر از مسیر مزبور قابل حصول است. علاوه بر اینکه خود این متغیر نیز می‌تواند نشان‌دهنده تسلط نماینده بر فرایندهای اجرایی و قانونی بوده و به‌عنوان یک امتیاز مثبت تلقی شود و بنابراین، نیاز به انجام سایر فعالیت‌ها برای جذب آراء انتخاباتی را منتفی کند.

در این مدل، متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به‌عنوان عاملی جهت در نظر گرفتن نیازهای سرمایه‌گذاری استان در نظر گرفته شد. بر اساس جدول (۴)، این متغیر در فرایند تصویب پارلمانی بودجه، مدنظر نمایندگان استان قرار ندارد. در واقع، آنچه کنش بودجه‌ای نمایندگان استان را شکل می‌دهد، عواملی غیر از هدایت توزیع منابع عمرانی در راستای کاهش عدم توازن منطقه‌ای است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

٦. بحث و نتیجه‌گیری

نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌عنوان تصویب‌کنندگان بودجه دولت، در کنار سلایق و ترجیحات متفاوت خود پیرامون نحوه تخصیص منابع، تحت فشار تقاضای حوزه انتخابیه نیز قرار دارند. با توجه به سهم قابل توجه بودجه در اقتصاد ایران و نقش تأثیرگذار آن در تخصیص منابع و ایجاد زیرساخت‌ها در راستای توسعه مناطق و در عین حال، بروز معضل انباشت طرح‌های نیمه‌تمام در اقتصاد کشور، تبیین رابطه میان قدرت چانه‌زنی و لابی‌گری نمایندگان مجلس با توزیع بودجه عمرانی از محل درآمدهای ملی در فرایند تصویب پارلمانی بودجه کل کشور می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

مسئله اینجاست که با تقدیم لایحه بودجه به مجلس، منبع مشاع بودجه در اختیار نمایندگان مجلس قرار می‌گیرد و این فرصت برای آن‌ها فراهم می‌شود که با هدف خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه و یا افزایش احتمال انتخاب مجدد خود تا حد امکان از آن بهره‌برداری کنند. در این رابطه، ورود به بودجه عمرانی بیش از اعتبارات هزینه‌ای مورد توجه است؛ زیرا اعتبارات هزینه‌ای مربوط به تأمین مالی مواردی نظیر حقوق و دستمزد کارکنان دولت، هزینه‌های انرژی، تجهیزات مورد نیاز ارگان‌های دولتی و... بوده و معمولاً دستخوش تغییرات جهت‌دار نمی‌شوند. اما مخارج تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، علاوه بر قابلیت تغییر زیاد ارقام و یا تعریف پروژه‌ها و طرح‌های جدید، می‌تواند وجهه سیاستمدار را تا حد مطلوبی تحت تأثیر قرار دهد. به‌عبارت دیگر، برای سیاستمدارانی که با اطلاعات کلی و فاقد جزئیات مواجه هستند، شرایط و پیامدهای سیاسی پیشنهادهای بودجه‌ای، در ارزش‌های واقعی اعداد اهمیت می‌یابد و نتیجه اتخاذ این رویکرد، افزایش ارقام و ردیف بودجه‌های عمرانی فاقد توجیه اقتصادی- اجتماعی، تعمیق چالش پروژه‌های نیمه‌تمام و تشدید آثار تورمی آن خواهد بود.

به این منظور، با استفاده از مدل داده‌های پانل برای توضیح عوامل اثرگذار بر افزایش بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱-۱۳۹۸) به دو دسته متغیرهای موقعیتی نمایندگان و متغیر تقاضای منطقه برای افزایش اعتبارات بودجه

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

عمرانی تصریح شده است. نتایج به‌دست آمده از برآورد مدل نشان‌دهنده تأثیرپذیری افزایش حجم بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی از متغیرهای مربوط به تعداد نمایندگان استانی حاضر در جایگاه‌های مؤثر بر فرایند تصویب پارلمانی بودجه کل کشور و نیز اثرگذاری امتیاز ارشدیت است. منظور از جایگاه‌های پارلمانی چهار موقعیت عضویت در هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، ریاست کمیسیون‌های تخصصی، عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و عضویت در کمیسیون تلفیق است که بر اساس مصاحبه با خبرگان گزینش شده‌اند. بر این اساس، عضویت نمایندگان استان در هرکدام از این جایگاه‌ها رابطه مثبت و معناداری با افزایش بودجه عمرانی در فرایند تصویب پارلمانی بودجه داشته است. در رابطه با متغیر ارشدیت، این رابطه به صورت منفی و معنادار گزارش شده است؛ منفی بودن ضریب متغیر ارشدیت نشان می‌دهد که با افزایش سابقه نمایندگی و شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی گسترده‌تر با سایر کنشگران فعال در عرصه اقتصاد و سیاست، میزان اهتمام نماینده به افزایش بودجه عمرانی استان در فرایند تصویب پارلمانی بودجه کل کشور کاهش می‌یابد. در واقع، در این شرایط، اهداف سیاسی و انتخاباتی و یا انگیزه خدمت‌رسانی نمایندگان از مسیرهایی غیر از مسیر مزبور قابل حصول است.

بر اساس نتایج برآورد مدل، متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی استان، به‌عنوان متغیر تقاضای منطقه برای جذب بودجه عمرانی بیشتر به لحاظ آماری معنادار نیست. در واقع، اگرچه در فرایند تهیه و تنظیم لایحه بودجه مواردی نظیر قانون استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت؛ بند (ت) ماده (۳۲) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور با موضوع سه‌درصد (۳٪) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی (یک‌سوم به استان‌های نفت‌خیز و گازخیز و دوسوم به شهرستان‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته که بر اساس شاخص‌های توسعه‌نیافتگی) به‌منظور لحاظ رویکرد برابری‌محور در توزیع بودجه عمرانی وجود دارد، اما در فرایند تصویب پارلمانی بودجه عوامل انگیزشی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در افزایش بودجه عمرانی استان، مواردی غیر از تأمین نیازهای مرتبط با

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

رویکرد برابری برای افزایش سطح زیرساخت‌های عمرانی در جهت کاهش اختلاف منطقه‌ای بوده است.

در بررسی نهایی از نتایج به‌دست آمده باید به این نکته اشاره کرد که بر اساس ادبیات مسئله منبع مشاع، تعدد ذی‌نفعان منبع، امکان شکل‌گیری قواعد تصمیم‌گیری منطبق با کنترل تورش بهره‌برداری را کاهش می‌دهد. معناداری تأثیر حضور در جایگاه‌های پارلمانی بر فرایند تصویب پارلمانی بودجه عمرانی، به معنای تلاش برای حضور در این جایگاه‌ها و در صورت عدم توفیق، ایجاد ارتباط با اعضای منتخب است. با توجه به ظرفیت بالای این جایگاه‌ها (۹۹ نفر در آخرین سال مجلس دهم) امکان درونی‌سازی[1] آثار رویکرد بودجه‌خواهی نمایندگان چندان قابل اجرا نخواهد بود و افزایش بودجه پروژه‌های عمرانی بدون در نظر گرفتن امکان تأمین اعتبار و یا حتی توجیه اقتصادی - اجتماعی طرح ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد تلاش برای تغییر آیین‌نامه داخلی مجلس در رابطه با میزان مداخله نمایندگان در ارقام بودجه و یا مستندسازی تغییرات ردیف‌های بودجه بر اساس اطلاعات متقاضیان و منابع درآمدی پیشنهاد شده بتواند در جهت شفاف‌سازی کنش بودجه‌ای نمایندگان مؤثر باشد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که توجه به رویکردهای توزیع بودجه مبتنی بر آمایش سرزمین، توجه به نیازهای واقعی منطقه و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود می‌تواند در کاهش دغدغه‌های بودجه‌خواهی ناکارآمد نمایندگان مؤثر باشد. به‌عبارت دیگر، اگر توزیع بودجه عمرانی در راستای حل مشکلات خاص منطقه، متناسب با الگوی جغرافیایی و اقتصاد فضای[2] استان صورت گیرد، نتیجه نهایی، کاهش مشکل منبع مشاع در فرایند بودجه‌ریزی، افزایش کارایی و بازدهی در سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و ایجاد زیرساخت‌های توسعه‌ای در استان‌های کشور، توسعه متوازن و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای خواهد بود.

1. Internalization
2. Spatial Economy

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

منابع

آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹).

استروم، الف (۱۳۹۳). چالش‌ها و رشد: گسترش حوزه بین‌رشته‌ای تحلیل نهادی. ترجمه م. متوسلی، م. سمیعی‌نصب و ع. نیکونسبتی (ویراستارها). *نهادها و توسعه* (چاپ دوم، ۱۲۱–۱۵۸). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

اورکی کوه‌شور، م، مایلی، م. ر (۱۳۹۶). تحلیل اثر انتخاباتی در عملکرد و جهت‌گیری نمایندگان مجلس شورای اسلامی. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۴۸*، ۲۰۳–۲۳۴.

توسلی رکن‌آبادی، م، شعبان شمیرانی، ع. ر (۱۳۹۲). نقش نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در چگونگی ایفای مسئولیت نمایندگان مجلس هفتم. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۴(۴)، ۷۵–۱۰۴.

حسین‌پور، د، شریف‌زاده، ف، نوری، ر، کریمیان، الف (۱۳۹۸). ارزیابی خط‌مشی‌های اقتصادی مصوب مجلس شورای اسلامی با استفاده از نظریه داده بنیاد. *مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۲(۷)، ۱۳۵–۱۴۸.

حلاج، ش، جلالی، ع (۱۳۸۹). *بررسی وضعیت طرح‌های عمرانی و ارائه معیارهای اولویت‌بندی به‌عنوان راهکار اصلی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۳۰۶.

دین‌محمدی، م، فرهادی، ز (۱۴۰۱). اقتصاد سیاسی تغییرات لایحه بودجه (اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) در مجلس شورای اسلامی. *پژوهش‌های اقتصادی*، ۲۳(۳)، ۵۳–۸۰.

زینالو، م، علی‌احمدی، ع. ر، نریمان، س (۱۳۹۸). بررسی عوامل بروز تعارض منافع در نمایندگان مجلس شورای اسلامی. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۵(۲)، ۹۹–۱۱۷.

سعید، پ، نوری‌نیا، ح، محمدعلی‌پور، ف (۱۳۸۳). پژوهشی درباره رفتار و نگرش نمایندگان مجلس درباره «خدمات به حوزه انتخابیه». تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۷۰۱۹.

شیائوکامپو، س، توماسی، د (۱۳۸۹). *مدیریت هزینه‌های عمومی* (گروه مترجمان). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

طاهرپور، ج، سالم، ع. الف، همت، ر (۱۳۹۹). بررسی سیکل‌های سیاسی بودجه‌های عمرانی در اقتصاد ایران. *بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۷*(۱)، ۱۶۵-۱۹۰.

قوانین بودجه کل کشور مربوط به سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۹. پیوست یک: اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای.

کاظمی، ف (۱۴۰۲). *بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور (۳): منابع بودجه*. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۹۴۶۰.

کیوانی، ب، رمضانی، م. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی علل تأخیر در پروژه‌ها با هدف ایجاد بهره‌وری در ابعاد مختلف اجرای پروژه. *مدیریت صنعتی، ۱۱*(۳۵)، ۱۵-۳۱.

لوایح بودجه کل کشور مربوط به سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۹ و سال ۱۴۰۲. پیوست یک: اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای.

لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور. پیوست یک: پیوست یک: اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای.

لی، ر، دی، جانسون، ر. دابلیو، جویس، ف، ج (۱۳۹۵). *نظام‌های بودجه‌ریزی دولتی در ساختار فدرالی ایالات متحده آمریکا* (ترجمه م. روغنی زنجانی). تهران: کویر، چاپ اول.

محمدی، ح (۱۴۰۱). واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام عمرانی: رهیافتی برای ایران. *مجلس و راهبرد*، ۳۰(۱۱۵)، ۱۹۹-۲۳۴.

ملک‌الساداتی، س (۱۳۹۲). *نهادهای انتخاباتی و مشکل منبع مشاع در بودجه‌ریزی عمرانی کشور*. رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.

ملک‌الساداتی، س (۱۳۹۳). نهادهای انتخاباتی و مشکل منبع مشاع در بودجه‌ریزی عمرانی کشور. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۳(۱۲)، ۱-۳۱.

Berry, C. R. & Fowler, A. (2016). Cardinals or Clerics? Congressional Committees and the Distribution of Pork. *American Journal of Political Science, 60*(3), 692-708.

Cadot, O., Roller, L. & Stephan, A. (2006). Contribution to Productivity or Pork Barrel? The Two Faces of Infrustructure Investment. *Journal of Public Economics, 90*(6-7), 1113-1153.

Casas, A. & Gonzalez-Eiras, M. (2021). Cooperation and Retaliation in Legislative Bargaining. *Red Nacional de Investigadores en Economía (RedNIE), Working Paper No. 95.*

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

Chiru, M. (2015). *Rethinking Constituency Service: Electoral Institutions, Candidate Campaigns and Personal Vote in Hungary & Romania.* PhD dissertation, Central European University Budapest.

Chiru, M. (2018). The Electoral Value of Constituency-Oriented Parliamentary Questions in Hungary and Romania. *Parliamentary Affairs, 71*(4), 950-969.

Christensen. R. & Selway, J. S. (2017). Pork-Barrel Politics and Electoral Reform: Explaining the Curious Differences in the Experiences of Thailand and Japan. *The Journal of Asian Studies, 76*(2), 283-310.

Clemens, A. C., Michael H. Crespin, M. H. & Finocchiaro. C. J. (2013). Pork-Barreling in Australian Politics: A Reconsideration of Leigh. *Australian Journal of Political Science 48*(2), 221-232.

Clemens, A. C., Crespin, M. H. & Finocchiaro, C. J. (2015a). Earmarks and Subcommittee Government in the U.S. Congress. *American Politics Research, 43*(6) 1074-1106.

Clemens, A. C., Crespin, M. H. & Finocchiaro, C. J. (2015b). The Political Geography of Distributive Politics. *Legislative Studies Quarterly, 40*(1), 111-136.

Crespin, M. H. & Finocchiaro, C. J. (2008). Distributive and Partisan Politics in the U.S. Senate: An Exploration of Earmarks. In N. W. Monroe, J. M. Roberts, and D. W. Rohde (Eds). *Why Not Parties? Party Effects in the United States Senate* (pp. 229-251). Chicago: Chicago University Press.

DeBacker, J. (2011). The Price of Pork: The Seniority Trap in the U.S. House. *Journal of Public Economics, 95*(1-2), 63-78.

Duquette, C. M., Mixon, F. G. & Cebula, R. J. (2013). The Impact of Legislative Tenure and Seniority on General Election Success: Econometric Evidence from U.S. House Races. *International Atlantic Economic Society, 41*, 161-172.

Ferejohn, J. (1986). Incumbent Performance and Electoral Control. *Public Choice, 50*(1-3), 5-25.

Fowler, A. (2018). A Bayesian Explanation for the Effect of Incumbency. *Electoral Studies, 53*, 66-78.

Fowler, A. & Hall, A. B. (2015a). Congressional Seniority and Pork: A Pig Fat Myth?. *European Journal of Political Economy, 40*, 42-56.

Fowler, A. & Hall, A. B. (2015b). Long Term Consequences of Election Results. *British Journal of Political Science, 47*(2), 351-372.

Fritz, B. & Feld, L. P. (2020). Common Pool Effects and Local Public Debt in Amalgamated Municipalities. *Public Choice, 183*(5), 69-99.

Gainza, X., Livert, F. & Mogollón, R. J. (2021). Electoral Incentives and Distributive Politics in Young Democracies: Evidence from Chile. *Electoral Studies, 73*(4), 1023-1077.

Gelman, A. & Huang, Z. (2008). Estimating Incumbency Advantage and Its Variation, As an Example of a Before-After Study. *Journal of the American Statistical Association. 103*(482), 437-446.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

Haan, J., Jong-A-Pin, R. & Mierau, J. O. (2013). Do Budgetary Institutions Mitigate the Common Pool Problem? New Empirical Evidence for the EU. *Public Choice, 156*(3), 423-441.

Hammes, J. J. (2015). Political Economics or Keynesian Demand-Side Policies: What Determines Transport Infrastructure Investment In Swedish Municipalities?. *Research in Transportation Economics, 51*, 49-60.

Hardin, G. (1968). The Tragedy of the Commons. *Science*, 162, 1243-1248.

Hammond, B. & Rosenstiel, L. (2020). Measuring the Influence of Political Actors on the Federal Budget. *American Political Science Review, 114*(2), 603-608.

Klingensmith, J. Z. (2014). *The Political Economy of Pork-Barrel Spending*. Doctoral Thesis, College of Business and Economics, University of West Virginia.

Klingensmith, J. Z. (2019). Political Entrepreneurs and Pork Barrel Spending, *Economies, 7*(16), 1-17.

Knight. B. (2004). Parochial Interests and the Centralized Provision of Local Public Goods: Evidence from Congressional Voting On Transportation Projects. *Journal of Public Economics, 88*(3-4), 845-866.

Knight, B. (2005). Estimating the Value of Proposal Power. *American Economic Review, 95*(5), 1639-1659.

Kawaura, A., Kimura, Y. & Uchida, Y. (2023). Deeds, not Words? Speech and Re-Election of Japan's Local Legislators. *Constitutional Political Economy*, https://doi.org/10.1007/s10602-023-09402-3.

Lazarus, J. (2009). Party, Electoral Vulnerability and Earmarks in the U.S. House of Representatives. *Journal of Politics, 71*(3), 1050-1061.

Lazarus, J. (2010). Giving the People What They Want? The Distribution of Earmarks in the U.S. House of Representatives. *American Journal of Political Science 54*(2), 338-353.

Lazarus, J. & Steigerwalt, A. (2009). Different Houses: The Distribution of Earmarks in the U.S. House and Senate. *Legislative Studies Quarterly, 34*(3), 347-398.

Lehne, J., Shapiro, J. N. & Eynde, O. V. (2018). Building Connections: Political Corruption and Road Construction in India. *Journal of Development Economics, 131*, 62-78.

Lynch, M. (2020). Lifting the Earmark Moratorium: Frequently Asked Questions. *Congressional Research Service*. https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R45429.

Maskin, E. & Tirole, J. (2019). Pandering and Pork-Barrel Politics. *Public Economics, 176*, 79-93.

Mayhew, D. R. (1974). *Congress: The Electoral Connection*. New Haven: Yale University Press.

Rogger, D. & Somani, R. (2023). The Persistent Impact of Electoral Incentives on the Quality of Infrastructure. *Journal of Public Economics, 222*(4), 1-20.

Shepsle, K. A. & Weingast, B. R. (1981a). Political Preferences for the Pork Barrel: A Generalization. *American Journal of Political Science, 25*(1) 96-111.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

Shepsle, K. A. & Weingast, B. R. (1981b). Structure-Induced Equilibrium and Legislative Choice. *Public Choice, 37*(3), 503-519.

Shepsle, K. A. & Weingast, B. R. (1987). The Institutional Foundation of Committee Power. *American Political Science Review, 81*(1), 85-104.

Tang, S., Callahan, R. F. & Pisano, M. (2014). Using Common Pool Resource Principles to Design Local Government Fiscal Sustainability. *Public Administration Review, 74* (6), 791-803.

Weingast, B. R. (1979). A Rational Choice Perspective on Congressional Norms. *American Journal of Political Science, 23*(2), 245-263.

Weingast, B. R., Shepsle, K. & Johnsen, C. (1981). The Political Economy of Benefits and Costs: A Neoclassical Approach to Distributive Politics. *Political Economy, 89*(4), 642-664.

Wu, Y. & Williams, D. (2015). State Legislative Earmarks: Counterparts of Congressional Earmarks?. *State and Local Government Review, 47*(2), 83-91.

Zappia, N. J. (2016). *The Cost of Earmarks*. Master of Public Administration Thesis, Public Administration Department, San Bernardino University, California.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7] [Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.45.7]